

بازپژوهی در حکم استطاعت بدنی

مهدی ساجدی^۱

چکیده:

تحقیق حاضر به بررسی مسئله استطاعت بدنی در حج و فروع فقہی مرتبط با آن پرداخته است. نتایج این تحقیق، که به صورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و براساس تحلیل ادله صورت گرفته، حاکی از این است که اگر استطاعت را موضوعی شرعی بدانیم، در روایات ملاکی جز برخورداری از صحت و سلامتی جسمی و روحی برای آن نمی‌توان یافت. بنابراین فرد سالم سالخورده با قطع نظر از ادله نفی عسر و حرج مستطیع و مریض نیازمند مراقبت و درمان غیر مستطیع است. اما اگر استطاعت را موضوعی عرفی به حساب آوریم باید قاصد حج، خواه سالخورده باشد یا مریض، بتواند اعمال و مناسک را خودش یا با کمک و همراهی دیگری انجام دهد تا مستطیع محسوب شود.

ملاک تشخیص توان برای حج خود مکلف است و می‌تواند با بهره‌گرفتن از نظر پزشک خبره نیز به تعلق وجوب حج بر عهده‌اش اطمینان یابد. البته کارگزار حاکم می‌تواند بر اساس تشخیص پزشک معتمد از اعزام زائرانی که در سال‌های قبل نام‌نویسی کرده و در سال اعزام از رفتن به حج ناتوانند، منع کند، مگر اینکه مکلف بتواند فردی را برای مراقبت با خود همراه کند.

کلیدواژه‌ها: استطاعت بدنی، اعزام، بیماری، مستطیع، حج.

۱. دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث

مقدمه

حج یکی از واجبات الهی در شریعت اسلام است که به وجوب آن در قرآن کریم اشاره شده است:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِي عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۶ و ۹۷)

و برای خدا بر مردم است که قصد خانه (او) کنند؛ آن‌ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند و هر کس کفر ورزد [و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده]، خداوند از همه جهانیان، بی نیاز است. (۹۷)

بر اساس آیه شریفه فوق حج، واجبی است که به استطاعت مشروط است. استطاعت بیان شده در آیه شریفه مطلق بوده و همه انواع استطاعت - اعم از مالی، بدنی و طریقی - را شامل می شود. البته در تفسیر استطاعت در این آیه چندین روایت وجود دارد که در بخش مستندات مسئله بحث می شود.

از بین استطاعت های بیان شده استطاعت بدنی محل بحث است. بر این اساس لازم است با جست و جود در روایات و نیز در اقوال فقها، ملاک تحقق استطاعت بدنی در حج گزار تبیین شود تا بر اساس آن ملاک بتوان افراد مستطیع را برای انجام فریضه حج شناسایی و تعیین کرد.

۱. اقوال فقها

لزوم تحقق استطاعت بدنی برای تعلق وجوب حج بر عهده مکلف، موضوعی اجماعی است و کسی از فقها در آن تشکیک نکرده است. البته برخی فقها این شرط را ذیل عنوان امکان سیر قرار داده اند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۸۰؛ شیخ انصاری، ۱۴۲۵ق، ص ۴۹) و در توضیح آن فرموده اند: این شرط به معنای لزوم برخورداری مکلف

از صحت و سلامتی و امور دیگری مثل بازبودن راه ... است که لازمه تحقق حج است. همچنین اشاره کرده‌اند که مراد از بیماری موجب سقوط حج، بیماری است که با وجود آن مکلف متحمل ضرر شده و امکان سوار شدن بر مرکب برای پیمایش مسیر حج را نداشته باشد و نیز چنانچه مکلف، سالم باشد و به دلیل پیری و ضعف بدن ناشی از آن نتواند بر مرکب سوار شود، حج از او به دلیل عدم تحقق شرط امکان سیر منتفی است. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۷، ص ۲۸۰)^۱

اما برخی دیگر از فقها استطاعت بدنی را شرطی علی حده برای حج دانسته و معتقد شده‌اند: چنانچه شخص، مریض باشد و نتواند بر مرکب سوار شود یا با فرض امکان سوار شدن باز هم طی مسیر و رفتن به حج برای او حرجی باشد، حج از او ساقط است. گفتنی است هیچ یک از فقیهان معاصر حاشیه یا تعلیقی بر این مطلب ندارند و این به معنای موافقت آنان با این مطلب است. (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۱۶؛ آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۱، ص ۴۵۶؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۷۵)

البته برخی از مراجع معاصر در توضیح مریضی مانع حج چنین نگاشته‌اند که مراد از آن بیماری ای است که عرفاً طاقت انجام حج را از مکلف سلب کند و امراضی همچون کوری، کری، لالی، لنگی و مانند آن، که مانع از انجام حج نیست را مضر به وجوب حج ندانسته‌اند. همچنین معتقد شده‌اند ملاک در فقدان استطاعت بدنی، فقط عدم توانایی برای سوار شدن بر مرکب نیست، بلکه هر عامل دیگری حتی

۱. الشرط الخامس إمكان المسير بلا خلاف أجده فيه... هو يشتمل على اعتبار الصحة و تخلية السرب... و غير ذلك مما يتوقف الإمكان عليه كله، فلو كان مريضاً بحيث يتضرر بالركوب الذي يتوقف عليه الحج و لو بالمشقة التي لا تتحمل، أو صحيحاً يتضرر به كذلك لكبر أو زيادة ضعف أو نحو ذلك لم يجب الحج لما عرفت بلا خلاف أجده فيه، بل عن المنتهى كأنه إجماع، بل عن المعتبر اتفاق العلماء عليه، نعم لو كان المرض يسيراً لا يشق معه الركوب و لا يضره لم يسقط الحج قطعاً، لإطلاق الأدلة السالم عن معارضة ما دل بإطلاقه على اعتبار الصحة في الاستطاعة بعد انصرافه إلى الأول....

مثل وحشت از جمعیت انجام دهنده مناسک نیز می تواند با وجود مریضی، مانع از وجوب باشد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۴۹)

۲. مستندات مسئله

مهم ترین مستند لزوم توانایی بدنی در حج، عبارت است از:

الف) آیه شریفه ۹۷ سوره آل عمران

﴿...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾

دلاله آیه شریفه فوق بر لزوم استطاعت به طور مطلق، روشن است و اطلاق آیه همه انواع استطاعت و از جمله استطاعت بدنی را شامل می شود.

ب) روایات

یک- روایت صحیح ذریح محاربی از امام صادق علیه السلام

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحْجْ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ يَمْنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يَطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلْيَمُتْ - يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۶۸)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: هرکس بمیرد درحالی که حج واجبش را انجام نداده، درحالی که حاجت ضروری یا بیماری ای که با وجود آن توان انجام حج نباشد یا سلطان مانع انجامش نبوده، به او گفته می شود باید یهودی یا نصرانی بمیرد.

دو- روایت صحیح معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ

أَيُّوبُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ قَالَ: «هَذِهِ لِمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مَالٌ وَصِحَّةٌ وَإِنْ كَانَ سَوْفَهُ لِلتَّجَارَةِ فَلَا يَسْعُهُ وَإِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ تَرَكَ شَرِيعَةً مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ إِذَا هُوَ يَحِدُّ مَا يَحُجُّ بِهِ» الْحَدِيثُ.

امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند متعال می فرماید: «و برای خدا بر مردم است که قصد خانه [او] کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند». حضرت فرمودند: «این برای کسی است که مال و سلامتی دارد و اگر حج را به تأخیر اندازد مجالی برایش نیست...». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۵)

سه- روایت صحیح هشام بن حکم از امام صادق عليه السلام

وَفِي كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكِيمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ مَا يَغْنِي بِذَلِكَ؟ قَالَ: «مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلَّى سِرُّهُ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ».

از امام صادق عليه السلام درباره سخن خداوند عزوجل که می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ سؤال شد که مقصود از آن چیست؟ حضرت فرمودند: «مقصود کسی است که بدنش سالم است و راهش باز و زاد و توشه دارد». (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳)

چهار- روایت صحیح حفص کناسی از امام صادق عليه السلام

عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخُثْعَمِيِّ قَالَ: سَأَلَ حَفْصُ الْكَنَاسِيِّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا عِنْدَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ

اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» مَا يَغْنِي بِذَلِكَ؟ قَالَ: «مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُحَلَّى سَرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَهُوَ يَمُنُّ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ» أَوْ قَالَ: «يَمُنُّ كَانَ لَهُ مَالٌ» فَقَالَ لَهُ حَفْصُ الْكِنَاسِي: فَإِذَا كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُحَلَّى سَرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَلَمْ يَحُجَّ فَهُوَ يَمُنُّ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ؟ قَالَ: «نَعَمْ».

حفص کُناسی از امام صادق علیه السلام درباره معنای سخن خداوند متعال که می فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» سؤال کرد. حضرت فرمودند: «هرکس بدنش سالم باشد، راهش باز بوده و زاد و توشه داشته باشد از کسانی است که برای انجام حج مستطیع و توانمند است...».

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۶۷)

پنج- روایت صحیح فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ الْآتِي عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ الرِّضَا علیه السلام فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمُأْمُونِ قَالَ: «وَحِجُّ الْبَيْتِ فَرِيضَةٌ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَالسَّبِيلُ الزَّادُ وَالرَّاحِلَةُ مَعَ الصِّحَّةِ».

حضرت در نامه ای که به مأمون نوشتند فرمودند: «و حج خانه خدا بر هر مستطیعی واجب است و مقصود از سبیل، زادو توشه و مرکب همراه با صحت و سلامتی است». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۵)

شش- روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام:

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ الْعِيشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» قَالَ: «هَذَا لِمَنْ كَانَ عِنْدَهُ مَالٌ وَصِحَّةٌ فَإِنْ سَوَّفَهُ لِلتَّجَارَةِ فَلَا يَسَعُهُ ذَلِكَ وَإِنْ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ

تَرَكَ شَرِيعَةً مِّنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ - إِذَا تَرَكَ الْحَجَّ وَهُوَ يَحِدُّ مَا يَحُجُّ بِهِ.

حضرت درباره سخن خداوند متعال که می فرماید: ﴿وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَكُّ
الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ فرمودند:

این آیه درباره کسی است که مال و سلامتی دارد، پس اگر به دلیل تجارت
حج را به تأخیر اندازد مجالی برایش نیست و اگر در این حال بمیرد دستوری
از دستورات اسلام را ترک کرده است...». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۸)

ج) نقد و بررسی

از آیه شریفه ملاکی برای تشخیص استطاعت بدنی قابل استفاده نیست و برای
کشف ملاک، لازم است در روایات باب استطاعت دقت شود.

یک- بررسی سندی روایات

اما روایات، غیر از روایت آخر، همگی از سند صحیحی برخوردارند و با توجه به
اینکه مضمون روایت اخیر در روایات صحیح السندی که بیانش گذشت موجود
است، ضعف سند آن خللی به حکم مسئله وارد نمی سازد. بنابراین لازم است به
روایات فوق از جهت دلالتی دقت شود.

دو- بررسی دلالتی روایات

در روایت نخست، بیماری ای که موجب سلب توان مکلف از ادای مناسک حج
باشد، مانع تعلق وجوب حج دانسته شده است. براین اساس هر نوع بیماری اعم از
جسمی و روحی، که به طور کلی توان انجام مناسک حج را از مکلف سلب کند، مانع
استطاعت است. اما اگر بیماری به گونه ای است که خود مکلف می تواند ارکان حج
را انجام دهد، هر چند لازم باشد در انجام اعمالی مانند طواف یا رمی نایب بگیرد،
چنین بیماری مانع از استطاعت و وجوب حج نیست.

در سایر روایات ملاک خاصی برای صحت و سلامتی بیان نشده و به طور مطلق، سلامتی جسمی شرط تعلق وجوب حج دانسته شده است. بنابراین هرکسی که از نظر عرف مخاطب کلام شارع، سلامتی جسمی لازم برای انجام حج را داشته باشد، مستطیع محسوب می شود.

ممکن است گفته شود واژه «صحت»، سلامتی روحی را نیز شامل است. اما سؤالی که باید پاسخ داده شود، این است که مراد از صحت در روایات فوق، صحت شرعی است یا عرفی؟ به عبارت دیگر در بحث وجوب حج، استطاعت بدنی مد نظر شارع باید ملاک قرار گیرد یا استطاعت عرفی؟ اگر ملاک استطاعت شرعی است، مؤلفه های تشخیص آن چیست؟

قبل از پاسخ به سؤالات فوق مناسب است دیدگاه های فقیهان امامیه، خصوصاً معاصرین، را در این باره جویا شویم:

غالب فقیهان امامیه، خصوصاً معاصرین، معتقدند شرط وجوب حج، استطاعت شرعی است. (یزدی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۸ و ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۶۳؛ یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۲۳۲؛ تبریزی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۹؛ اشتهاوردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۴، ص ۱۰۰) برای این اساس آنان معتقدند اگر مطابق با آنچه در روایات بیان شده مکلف از مال، سلامتی و زاد و توشه و مرکب برخوردار باشد شرعاً مستطیع است و باید برای ادای حج اقدام کند.

اما در مقابل برخی از فقها و مراجع معاصر معتقدند: مراد از استطاعتی که در آیه شریفه و روایات مطرح شده استطاعت عرفی است (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۴۹؛ خوئی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۷۸؛ یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۲۷۸ و ۳۰۵) زیرا دلیلی بر وجوب تحقق استطاعت عقلی یا شرعی به معنای پذیرش تعبدی ملاک شارع در استطاعت یا پذیرش حقیقت شرعیه نسبت به واژه «استطاعت» یا «صحت» وجود ندارد. بلکه عرف چنین می فهمد که مقصود اصلی از فرمان شارع، ادای حج است و مکلف برای

امثال آن باید از صحت و سلامتی جسمی یا جسمی و روحی برخوردار باشد و زاد و توشه و مرکب در صورتی که نیاز باشد را باید فراهم کرد. (یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۲۷۸)

در نقد نظریه کسانی که معتقدند «استطاعت دارای مفهومی شرعی است» می توان گفت: اگر «استطاعت» یا «صحت» موضوعی شرعی بود، باید همه روایات به طور یکسان به تبیین ملاک آن می پرداختند و مقصود شارع از آن را روشن می کردند، درحالی که بیان روایات در تفسیر استطاعت متفاوت است. برخی روایات زاد و راحله را لازم شمرده و در آنها سخنی از لزوم داشتن مال در میان نیست. برخی دیگر داشتن زاد و راحله را شرط ندانسته اند، برخی نیز بیانگر حج تعداد زیادی از اصحاب با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صورت پیاده است و نمی توان گفت حج همه آنها مستحبی بوده است. از این رو نمی توان شرعی بودن مفهوم استطاعت را پذیرفت؛ خصوصاً اینکه مطابق با تصریح برخی از فقیهان و مراجع معاصر دلیلی بر وجوب تحقق استطاعت عقلی یا شرعی به معنای پذیرش تعبدی ملاک شارع در استطاعت یا پذیرش حقیقت شرعیه نسبت به واژه «استطاعت» یا «صحت» وجود ندارد.

ممکن است در نقد کسانی که «استطاعت را مفهومی عرفی می دانند» چنین گفته شود: اگر استطاعت شرعی معتبر نیست و ملاک در تشخیص استطاعت، فهم عرف مخاطب کلام شارع است، به چه دلیل در روایات از معنا و مفهوم استطاعت سؤال شده و چرا در روایات باب حج، انجام حج با سختی و تنگدستی مجزی دانسته نشده است؟

در پاسخ می توان گفت: سخن شارع در تبیین و تفسیر مفهوم استطاعت در واقع ارشاد به فهم عرف از استطاعت است و همه شرایطی که در روایات به آن اشاره شده، شرایطی است که از نظر عرف برای انجام یک سفر لازم است و این شرایط به حسب زمان، مکان و اشخاص متفاوت است. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۴۹)

به دیگر سخن مخاطب کلام شارع برای ادای حج، عرف است و عرف برای ادای حج و هر تکلیف شرعی دیگری که بر عهده‌اش قرار گیرد چیزی بیش از داشتن توان لازم برای انجام فرمان شارع را لازم نمی‌شمرد. اما از آنجا که انجام حج مستلزم طی مسیر و رفتن به شهر مکه است، قاصد حج به طور طبیعی نیازمند مرکب، زاد و توشه، مال و سلامتی است و اگر از مفهوم استطاعت سؤال کرده، درصدد برآمده تافهم خود از استطاعت بیان شده در آیه شریفه را مورد تأیید شارع قرار دهد. بنابراین شارع نیز متناسب با نیاز هر فرد، ملزومات حج را بیان کرده است. از طرف دیگر ممکن است عرف محل خطاب شارع چنین تصور کند که اگر با هر سختی خود را به مکه برساند و حج را انجام دهد، به دستور شارع عمل کرده است، اما از آنجا که شارع مقدس این مقدار از توان برای ادای حج را کافی نمی‌داند، با مجزی ندانستن چنین حجتی، درصدد برآمده تا در حدود این فهم عرفی توسعه ایجاد کند و مقصود شارع، ایجاد معنای جدیدی برای استطاعت نبوده است.

بنابراین به نظر می‌رسد در تفاسیر مختلفی که حضرات معصومین علیهم‌السلام از استطاعت ارائه کرده‌اند مقصودشان زدودن تصور کفایت تحقق استطاعت عقلی برای وجوب حج از ذهن مخاطب و تعیین حد برای فهم عرفی از این واژه بوده است. شاهد بر این مطلب روایت ذیل است:

أَبِي عَبِيدَ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْقَدَرِ - فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ أَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُمُ الْإِسْطَاعَةَ؟ فَقَالَ: «وَيْحَكَ إِنَّمَا يَعْني بِالْإِسْطَاعَةِ الزَّادَ وَالرَّاحِلَةَ لَيْسَ اسْطِطَاعَةَ الْبَدَنِ» الْحَدِيثُ.

در این روایت هنگامی که فردی از امام صادق علیه‌السلام درباره استطاعت بیان شده در قرآن سؤال کرد که مگر خداوند برای مردم استطاعت قرار نداده است؟ حضرت

فرمودند: «وای بر تو! مقصود خداوند از استطاعت در این آیه، زاد و راحله است نه استطاعت بدنی». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۵)

به هر روی اگر سخن مشهور فقیهان امامیه را بپذیریم و استطاعت را موضوعی شرعی بدانیم، در تفسیر استطاعت بدنی در روایات، جز لزوم صحت جسمی و روحی و داشتن توان لازم برای انجام حج به طور کلی معیار دیگری بیان نشده است. بنابراین هرگونه بیماری جسمی یا روحی که توان انجام حج به طور کلی از مکلف را سلب کند، مانع وجوب و استطاعت است. براین اساس کسانی که از نظر جسمی سالمند اما به دلیل پیری یا ضعف بدنی توان انجام حج را ندارند شرعاً مستطیع محسوب می شوند، مگر اینکه انجام حج برای آنان مستلزم مشقت و سختی غیر قابل تحمل باشد که بر اساس قاعده فقهی نفی عسرو حرج، حج از عهده آنان ساقط می شود.

اما اگر ملاک در فهم معنای استطاعت بدنی را عرف قرار دهیم، عرف چیزی جز توان جسمی لازم برای انجام حج را لازم نمی داند. بنابراین از نظر عرف، فرد سالمندی که از نظر جسمی سالم است، اما به دلیل پیری یا ضعف بدنی قادر بر انجام حج نیست مستطیع محسوب نمی شود. براین اساس اگر پزشک معتمد توان لازم را در فرد سالم به دلیل پیری و کهنسالی و ضعف بدنی احراز نکند و وی را غیر مستطیع تشخیص دهد، چنانچه از گفته پزشک برای مکلف اطمینان حاصل شود، وجوب حج از عهده چنین فردی ساقط می شود.

۳. فروعاً فقطاهی مرتبط

الف) نوعی یا شخصی بودن ملاک استطاعت بدنی و نهاد تشخیص آن

ملاک در تشخیص توان و صحت و سلامتی برای ادای مناسک حج، توان شخص حج گزار است یا توان نوع حج گزاران باید ملاک قرار گیرد؟ و چه فرد یا نهادی

باید توان لازم برای ادای حج را در مکلف احراز کند؟

در پاسخ به سؤال فوق باید گفت: بدیهی است ملاک در تشخیص توان لازم برای ادای حج مانند هر تکلیف شرعی دیگر که از سوی شارع مقدس بر عهده مکلف قرار می‌گیرد، خود مکلف است و اوست که باید توانایی لازم جسمی برای ادای حج را در خود ببیند تا برای ادای حج در صورت فراهم بودن سایر شرایط اقدام کند. البته ممکن است بر مکلف لازم باشد برای رسیدن به اطمینان نسبت به صحت و سلامتی خود با پزشک خبره مشورت کرده و نظر او را جویا شود. اما با این وجود باز خود مکلف است که باید تعلق تکلیف به ادای حج بر عهده‌اش را تشخیص دهد.

در استدلال بر این مطلب می‌توان به آیات و روایات فراوانی اشاره کرد؛ برای نمونه در آیه شریفه: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ (بقره: ۲۸۶) خداوند متعال چنین بیان داشته که هر فرد را به اندازه توانش مکلف ساخته است و این فراز از آیه شریفه به خوبی دلالت دارد بر اینکه توانایی هر فرد و تشخیص خود او ملاک تعلق تکلیف بر عهده‌اش است. از طرف دیگر هنگامی که عموم مکلفین نسبت به انجام نماز، روزه، حج و مانند آن از دیگر واجبات خطاب قرار می‌گیرند، فهم عرف از خطاب شارع این است که هر فرد با یافتن توان لازم برای انجام تکلیف، باید برای فراغ ذمه‌اش اقدام کند.

همچنین روایاتی که تبیین‌کننده تکالیف شرعی است، مانند روایت ذیل که از هشام بن حکم از امام صادق (ع) در تفسیر استطاعت نقل شده است:

وَفِي كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ مَا يَغْنِي بِذَلِكَ؟ قَالَ: «مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ

مُحَلِّ سَرْبُهُ لَهُ زَاوٌ وَ رَاحِلَةٌ». (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳)

روایت فوق این مطلب ظهور دارد که هر فرد باید خودش شرایطی را که امام عَلَيْهِ السَّلَام برای تکلیف بیان کرده اند بر خودش تطبیق دهد و چنانچه عهده خود را نسبت به تکلیف مشغول بیابد، تلاش خود را برای فراغ ذمه از آن تکلیف به کار بندد.

از طرف دیگر با توجه به جست و جویی که در روایات صورت گرفت، در هیچ روایتی از نهاد تشخیص دهنده تکلیف سؤال نشده و فقط آنچه در روایات از آن سؤال شده، شرایط تکلیف است؛ یعنی مرجع بودن خود مکلف در تشخیص تکلیف برای راوی، مفروغ عنه بوده و فقط مقصودش از سؤال، اطلاع از شرایط تکلیف و تطبیق آن بر خودش بوده است.

نتیجه اینکه ملاک در تشخیص توان لازم برای ادای حج، خود مکلف است، هرچند که تشخیص او بر اساس گفته پزشک معتمد باشد.

میقات

سؤال قابل طرح در این مجال این است که چنانچه تشخیص پزشک بر خلاف تشخیص مکلف باشد، کدام تشخیص، در تعیین تعلق تکلیف بر عهده مکلف باید ملاک قرار گیرد؟

به نظر می رسد با توجه به آیات و روایاتی که بیانشان گذشت، خود مکلف مرجع تشخیص تعلق تکلیف بر عهده اش است. البته اگر هنگام ادای تکلیف برای او کشف خلاف شود باید به مقتضای آن عمل کند؛ مثلاً اگر بر اساس تشخیص فردی، خودش را از نظر جسمی سالم تشخیص داد، اما پس از حضور در میقات یا عرفات دچار بیماری شد، به گونه ای که به طور کلی از انجام حج یا ارکان آن ناتوان شد، بروز ناتوانی، کاشف از عدم استطاعت او و عدم تعلق وجوب حج بر عهده اش است.

ممکن است گفته شود: چنانچه ادای حج همانند زمان ما بر اساس نام نویسی

در کاروان‌های زیارتی باشد و خود شخص برای ادای حج فردی اقدام نکرده باشد، مسئول کاروان و کارگزار حاکم اسلامی بتواند براساس تشخیص پزشک معتمد و با فرض احراز عدم توانایی جسمی فرد ثبت نام کننده برای ادای حج، از اعزام او به حج ممانعت به عمل آورد؛ زیرا پذیرش و ثبت نام هر فرد در کاروان‌های زیارتی به وسیله کارگزار حاکم به معنای پذیرش مسئولیت هر اتفاق احتمالی برای زائر هنگام ادای حج است؛ به این معنا که اگر زائر دچار بیماری شود، کارگزار حاکم متعهد است برای معالجه او اقدام کند. حتی اگر معالجه او نیازمند ابزار و دستگاه‌های پزشکی باشد یا لازم باشد فردی از افراد کارگزار حاکم برای مراقبت از او به کار گرفته شود.

بنابراین چنانچه کارگزار حاکم این توان را ندارد که در صورت بروز بیماری از آن فرد مراقبت کند یا معالجه او نیازمند دستگاه مخصوصی مانند دستگاه دیالیز و مانند آن است که در مکه و محل حج کمیاب است و به راحتی در دسترس کاروان‌ها قرار نمی‌گیرد، حتی با فرض پرداخت هزینه درمان به وسیله شخص بیمار باز هم کارگزار حاکم براساس نظرو تشخیص پزشک معتمد و با فرض احراز بیماری و عدم توان لازم برای ادای حج در مکلف، می‌تواند از ثبت نام او ممانعت کرده و چنین مسئولیتی را عهده دار نشود.

ممکن است گفته شود: چنانچه زائر بتواند فردی را برای مراقبت از خود به همراه آورد، مثل اینکه بتواند با پرداخت هزینه حج به صورت آزاد اولییتی برای تشریف به حج برای همراهش تهیه کند، کارگزار حاکم نباید مانع از ثبت نام او شود.

ممکن است اشکال شود که ممانعت از ثبت نام در کاروان‌های حج زمانی مشروع است که ثبت نام از سالیان قبل صورت نگرفته باشد؛ زیرا ممکن است فرد در زمان ثبت نام از سلامتی جسمی لازم برخوردار بوده و اکنون که پس از سال‌ها نوبت اعزامش

فرارسیده، توانایی اش کم شده و نیازمند مراقبت و در صورت ابتلا به بیماری نیازمند درمان است. خصوصاً اگر مکلف هنگام نام‌نویسی برای حج، ظن یا اطمینان به بقای سلامت و اعزام به حج قبل از بروز ناتوانی و بیماری داشته باشد.

در پاسخ می‌توان گفت: با توجه به اعلام محدودیت در اعزام از طرف حاکم و امکان تشریف به مکه براساس اولویت بندی، مسئله در چند صورت قابل تصور است: یک - عدم اطمینان ثبت نام‌کننده به بقای سلامتی جسمی و توان برای ادای حج در سالیان بعد با توجه به اولییتی که برای اعزام او تعیین شده است.

در این صورت ثبت نام‌کننده می‌تواند انصراف دهد و تعیین اولویت برای او در سال‌های بعد، کاشف از عدم استطاعت سربی و طریقی اوست و مطابق با روایت سوم و چهارم از روایات مفسر استطاعت در حج، بروی عنوان «مُحَلِّ سَرْبُهُ» در سال ثبت نام صادق نیست و در زمان فرا رسیدن اولویتش نیز استطاعت جسمی لازم را ندارد. بنابراین با فرا رسیدن اولویت اعزام، کارگزار حاکم با فرض عدم احراز توان جسمی لازم برای ادای حج در مکلف، شرعاً ملزم به اعزامش نیست. البته باید برای کارگزار حاکم احراز شود که عرفاً امکان بقای صحت و سلامتی ثبت نام‌کننده تا زمان اعزام، با توجه به اولویتش در زمان نام‌نویسی وجود نداشته است.

دو - وجود توان و سلامتی هنگام ثبت نام و ظن یا اطمینان مکلف به بقای سلامتی تا سال اعزام و بروز بیماری بعد از فرا رسیدن اولویت اعزام.

در این فرض چنانچه بیماری مانع از انجام مناسک باشد، عروض بیماری کاشف از عدم تحقق استطاعت جسمی در سال اعزام است. همچنین اگر بیماری یا ناتوانی جسمی مانع از انجام مناسک نباشد، ولی فردی که اعزام می‌شود به مراقبت یا همراهی دیگری نیازمند باشد و امکان اعزام همراه نیز برای مکلف وجود داشته

باشد، باز هم کارگزار نظام نمی‌تواند از ثبت نام او ممانعت کند.

اما چنانچه بیماری مانع از ادای حج نیست ولی لازم است برای درمان از دستگاهی مثل دستگاه دیالیز و مانند آن استفاده شود که تهیه و فراهم کردن آن در عربستان به آسانی ممکن نیست یا زائر به دلیل کهولت سن به همراهی خدمت‌کار نیازمند باشد و امکان اختصاص خدمت‌کار برای کارگزار حاکم وجود نداشته باشد، ممکن است بتوان گفت حاکم و کارگزار او وظیفه‌ای نسبت به اعزام چنین فردی ندارند؛ زیرا هنگام ثبت نام، یک شرط ارتکازی در ذهن ثبت نام‌کنندگان وجود داشته که حکومت اسلامی با فرض بقای سلامت و امکان انجام مناسک به وسیله ثبت نام‌کننده و امکان اعزام، از هر فرد نام‌نویسی و تعیین اولویت می‌کند.

با توجه به رویه سازمان حج در اعزام‌های گذشته و وجود محدودیت در امکانات عربستان و در سهمیه کشورها در اعزام زائر و خدمه به حج، از همان زمان ثبت نام برای همگان معلوم بوده است که سازمان حج به عنوان کارگزار حاکم توان اعزام خدمت‌کار برای ناتوانان و بیماران قادر به انجام مناسک با کمک همراه را ندارد و نیز با توجه به محدودیت امکانات درمانی در عربستان، کارگزار حاکم نمی‌تواند زائر دارای بیماری مزمنی، مثل بیماری‌های کلیوی و نیازمند به دیالیز، را اعزام کند یا اعزامش با دشواری فراوان همراه است. بنابراین با فرض نبود توان و امکان اعزام فرد مبتلا به بیماری، مسئولیتی برای اعزام متوجه کارگزار حاکم نیست.

ممکن است گفته شود بر چنین فردی، که بیماری و ناتوانی‌اش مانع از ادای مناسک حج نیست، لازم است با فرض عدم خرج از هر طریقی که بتواند خود را به مکه برساند و اعمال حج را انجام دهد و نیز در صورتی که شرط ارتکازی بیان شده را نپذیریم و معتقد شویم صرف ثبت نام برای حج در زمان سابق، با توجه به مشروط

نبودن ثبت نام به بقای سلامت، برای کارگزار حاکم تعهد به اعزام در هر شرایط را نسبت به ثبت نام‌کننده ایجاد می‌کند، کارگزار حاکم نمی‌تواند از اعزام چنین فردی ممانعت کند. از این رو در صورت لزوم باید خدمت‌کار و همراه را به شخص مزبور اختصاص دهد؛ هرچند لازم باشد هزینه خدمات را از خود فرد مطالبه کند، مگر اینکه کنترل، مراقبت یا درمان بیماری در عربستان ممکن نباشد که همین امر کاشف از عدم تحقق استطاعت نسبت به مکلف مزبور است.

سه - فرض بروز بیماری و ناتوانی پس از ظن به بقای سلامت و پس از تأخیر در زمان اعزام به دلیل قطع ارتباط سیاسی با عربستان یا فراگیری بیماری و تعطیلی حج و مانند آن.

در این فرض، بروز بیماری یا ناتوانی به دو گونه «مانع از ادای حج» و «غیر مانع» قابل تصور است. در صورت اول بروز بیماری و ناتوانی در مکلف کاشف از عدم تحقق استطاعت در سال اعزام برای اوست.

در صورت دوم از آنجا که قطع ارتباط سیاسی یا تعطیلی حج از طرف دولت عربستان از اسباب غیر اختیاری ایجاد تأخیر در اعزام و بروز بیماری و کاسته شدن از توان افراد است، مسئولیتی از این ناحیه متوجه دولت و حکومت اسلامی نمی‌شود و با وجود محدودیت در خدمه و کمبود امکانات در عربستان، تعهدی را برای کارگزار حاکم نسبت به اعزام چنین فردی ایجاد نمی‌کند. بلکه چنانچه فرد کم‌توان بتواند با همراهی دیگری و تأمین هزینه حش، به مکه مشرف شود، کارگزار نمی‌تواند مانع اعزام او شود.

ب) لزوم یا عدم لزوم همراه و تأثیر آن بر استطاعت

باید معلوم شود چنانچه بیماری یا ضعف و ناتوانی جسمی فرد به گونه‌ای نیست

که مانع از ادای مناسک شود، اما به دلیل بیماری یا ضعف بدنی به تنهایی قادر بر انجام حج نباشد و با همراهی فرد دیگر بتواند مناسک حجش را انجام دهد، چنین شخصی مستطیع است یا حج براو واجب نیست! به عبارت دیگر آیا شرط تعلق وجوب حج بر عهده مکلف و صدق استطاعت، امکان ادای حج به وسیله خود مکلف و بدون کمک همراه است یا انجام همه مناسک یا بخشی از آن با کمک همراه را نیز شامل می شود؟

قبل از پاسخ به پرسش فوق مناسب است آرای فقها در این باره بررسی شود. از غالب فقیهان متقدم در این باره نظری ثبت نشده است، اما از فقیهان متأخر، شیخ انصاری رحمته الله معتقد است اگر مریض بتواند ولو با همراهی کسی بر مرکب سوار شود، بدون هیچ اختلافی حج براو واجب است. (شیخ انصاری، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۹) محقق داماد رحمته الله نیز بر این باور است که اگر مکلف به خادم یا همراه نیاز دارد و توان پرداخت هزینه حج او را هم دارد مستطیع است. البته بر آن همراه یا خادم، قبول همراهی واجب نیست. (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۷) و نیز جناب محقق یزدی در عروه چنین نگاشته که اگر مریض نیاز به همراهی خادم دارد، اما توان پرداخت هزینه حج او را ندارد مستطیع مالی نیست. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۴۹؛ یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۱۶) و از فقیهان و مراجع معاصر کسی بر این فتوا حاشیه نزده که خود حاکی از پذیرش این نظریه به وسیله آنان است.

براین اساس به نظر می رسد ملاک استطاعت بدنی در نظر تمام فقها این است که ناتوانی و بیماری مانع از ادای مناسک نباشد و تفاوتی نیست که خود شخص به تنهایی یا با کمک دیگری بتواند اعمال و مناسکش را به جا آورد. استطاعت درباره چنین فردی باید از جهت مالی محقق شود؛ یعنی بتواند هزینه همراه را نیز عهده دار

شود که در زمان حاضر در شکل تهیه فیش حج به صورت آزاد برای همراه قابل تصور است.

از اطلاق آیات و روایات استفاده می‌شود که برای هر مکلفی استطاعت حاصل شود، وجوب حج بر عهده اش قرار می‌گیرد؛ اعم از اینکه خود شخص به تنهایی توان رسیدن به مکه و ادای مناسک را داشته باشد یا با کمک همراه و خادم موفق به ادای مناسک شود و عرف، نصوص شرعی فردی را که با کمک دیگران بتواند مناسکش را انجام دهد مصداق مستطیع می‌داند. بنابراین اگر از طریق معاینات پزشکی احراز شود ودیعه‌گذاری که اولویت اعزامش فرا رسیده توان انجام مناسک بدون همراه را ندارد و خود مکلف هم نتواند فردی را برای کمک با خود همراه سازد، کارگزار حاکم می‌تواند از اعزام چنین فردی ممانعت کند؛ زیرا ودیعه‌گذاری و ثبت نام در قالب عقد اجاره، ولو معاطاتی، مشروط به بقای سلامتی و توان ثبت نام‌کننده بوده است؛ چراکه از همان ابتدا برای کارگزار و کسانی که نام‌نویسی کرده‌اند معلوم بوده است که کارگزار نظام امکان همراهی و مراقبت از کسی که دارای توان لازم برای ادای مناسک به تنهایی نیست را ندارد.

ج) ممانعت از اعزام افراد غیر مستطیع

آیا کارگزار حاکم می‌تواند از ثبت نام در کاروان و اعزام افرادی که اولویتشان فرا رسیده اما عدم استطاعتشان بروی محرز شده ممانعت کند؟

به نظر می‌رسد نام‌نویسی برای حج تمتع در سالیان گذشته بدین معناست که حکومت اسلامی با انعقاد یک عقد اجاره، ولو معاطاتی، پذیرفته که هرکس توان انجام حج و پرداخت هزینه آن را دارد و اعزامش نیز برای حاکم اسلامی مشکلی ندارد، به مکه مکرمه اعزام کند، مگر اینکه فرد ثبت نام‌کننده در زمان اعزام استطاعت بدنی

یا توان جسمی برای ادای حج بدون همراه را نداشته باشد که حکمش گذشت. بنابراین چنانچه مکلف از نظر مالی مستطیع نباشد اما بتواند هزینه حج را ولو با قرض پرداخت کند یا برای دفعات مکرر قصد انجام حج را داشته باشد یا در صورت نیاز به همراه بتواند با خرید اولویت، فردی را با خود همراه کند، کارگزار حاکم بر اساس عقد اجاره‌ای که منعقد شده نمی‌تواند با اعزامش مخالفت کند.

د) تصرف در مال و خارج کردن خود از استطاعت با فرض استطاعت مالی و عدم

استطاعت بدنی

اگر مکلف توان مالی برای حج داشته باشد اما هنگام اعزام، توان و سلامتی لازم برای حج را به دلیل بیماری از دست دهد باید استطاعت مالی را تا زمان برطرف شدن بیماری حفظ کند یا می‌تواند با تصرف در آن مال، خود را از استطاعت مالی خارج کند؟

مباحث

در این زمینه اقوال متعددی از فقهای معاصر دیده می‌شود؛ برای نمونه امام خمینی علیه السلام معتقد است اگر در سال استطاعت مالی، از جهت صحت بدن یا باز بودن راه، استطاعت نداشته باشد، می‌تواند با تصرف در مال، خود را از استطاعت مالی خارج کند؛ حتی اگر اطمینان داشته باشد که در سال‌های بعد از آن جهات، استطاعت پیدا می‌کند. (مظاهری، ۱۳۹۷، ص ۶۵) اما سایر مراجع تقلید به فتوای بر اساس احتیاط واجب معتقد شده‌اند اگر اطمینان دارد که در سال‌های دیگر از آن جهات استطاعت پیدا می‌کند، بنا بر احتیاط نمی‌تواند در مال تصرف کند. (همان) به نظر می‌رسد در این باره حق به جانب امام خمینی علیه السلام است؛ زیرا از دست رفتن توان جسمی مکلف در سال اعزام، کاشف از عدم تحقق استطاعت درباره وی است و در سال‌های قبل از اعزام نیز با توجه به اولویت بندی برای اعزام، مسیر

حج برای مکلف باز نبوده است. بنابراین در هیچ زمانی وی مستطیع به حساب نمی‌آید. بنابراین تصرف در مال برای وی جایز است؛ خصوصاً اینکه آیات و روایات مفسر استطاعت ظهور دارد در اینکه استطاعت و توان برای حج از همه جهات باید همزمان برای مکلف فراهم باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش به صورت خلاصه عبارت است از:

۱. لزوم استطاعت بدنی برای وجوب حج، موضوعی اجماعی است و کسی از فقها در آن تشکیک نکرده است.
۲. بیماری مانع حج آن است که عرفاً طاقت انجام حج را از مکلف سلب کند و امراضی همچون کوری، کری، لالی، لنگی و مانند آن مانع از انجام حج نیست.
۳. غالب فقیهان امامیه، خصوصاً معاصرین، معتقدند شرط وجوب حج، استطاعت شرعی است. اما در مقابل برخی از فقها و مراجع معاصر معتقدند مراد استطاعت عرفی است.
۴. اگر استطاعت را موضوعی شرعی بدانیم، ملاک استطاعت، لزوم صحت جسمی و روحی و داشتن توان لازم برای انجام حج به طور کلی است.
۵. اگر استطاعت را عرفی بدانیم، عرف چیزی جز توان جسمی برای انجام دادن حج را لازم نمی‌داند و فرد سالمندی که از نظر جسمی سالم است اما به دلیل پیری یا ضعف بدنی قادر بر انجام حج نیست، عرفاً مستطیع محسوب نمی‌شود و وجوب حج از چنین فردی ساقط است. البته ملاک در تشخیص توان لازم برای ادای حج، مانند هر تکلیف شرعی دیگر، خود مکلف است؛ هرچند که تشخیص او بر اساس گفته پزشک معتمد باشد.

۶. کارگزار حاکم اسلامی می‌تواند براساس تشخیص پزشک معتمد و با فرض احراز عدم توانایی جسمی فرد ثبت نام‌کننده، از اعزام او جلوگیری کند؛ زیرا پذیرش و ثبت نام هر فرد در کاروان‌های زیارتی به معنای پذیرش مسئولیت هراتفاق احتمالی برای زائر هنگام ادای حج است؛ به این معنا که اگر زائر دچار بیماری شود، کارگزار حاکم متعهد است برای معالجه او اقدام کند، حتی اگر معالجه او نیازمند ابزار و دستگاه‌های پزشکی باشد یا لازم باشد فردی از افراد کارگزار حاکم برای مراقبت از او به کار گرفته شود. بنابراین چنانچه کارگزار حاکم این توان را ندارد که در صورت بیماری، از آن فرد مراقبت کند یا معالجه او نیازمند دستگاه مخصوصی، مانند دستگاه دیالیز و مانند آن، است که در مکه کمیاب است و به راحتی در دسترس کاروان‌ها قرار نمی‌گیرد، حتی با فرض پرداخت هزینه درمان به وسیله شخص بیمار باز هم کارگزار حاکم براساس نظر و تشخیص پزشک قابل اعتماد و با فرض احراز بیماری و عدم توان لازم برای ادای حج در مکلف، می‌تواند از ثبت نام او ممانعت کند و چنین مسئولیتی را عهده‌دار نشود.

۷. چنانچه مکلف از نظر مالی مستطیع نباشد اما بتواند هزینه حج را ولو با قرض پرداخت کند یا مکرر قصد انجام حج را داشته باشد یا در صورت نیاز به همراه بتواند با خرید اولویت، فردی را با خود همراه کند، کارگزار حاکم براساس عقد اجاره‌ای که منعقد شده نمی‌تواند از اعزام فرد غیر مستطیع جلوگیری کند.

منابع

۱. آملی، میرزا محمد تقی، (۱۳۸۰ق)، مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی، تهران، نشر مؤلف، چاپ اول.
۲. اشتهاوردی، علی پناه، (۱۴۱۷ق)، مدارک العروة، تهران، دارالاسوه، چاپ اول.

۳. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۲۳ق)، التہذیب فی مناسک العمرة و الحج، قم، دارالتفسیر، چاپ اول.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسة آل البيت علیہ السلام، چاپ اول.
۵. خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۱۶ق)، معتمد العروة الوثقی، قم، منشورات مدرسة دار العلم لطفی، چاپ دوم.
۶. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳ق)، مہذب الاحکام، قم، المنار، چاپ چہارم.
۷. شیخ انصاری، مرتضی، (۱۴۲۵ق)، کتاب الحج، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۸. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ ہفتم.
۹. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۸ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة، کتاب الحج، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الفروع من الکافی، تہران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چہارم.
۱۱. محقق داماد، سید محمد، (۱۴۰۱ق)، کتاب الحج، قم، چاپخانہ مهر.
۱۲. مدنی کاشانی، حاج آقا رضا، (۱۴۱۱ق)، براہین الحج للفقہاء و الحجج، کاشان، مدرسہ علمیہ آیت اللہ مدنی کاشانی، چاپ سوم.
۱۳. مظاہری، منصور، (۱۳۹۷ش)، مناسک حج مطابق با فتوای امام خمینی و مراجع تقلید، قم، نشر مشعر، چاپ سیزدہم.
۱۴. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، (بی تا)، العروة الوثقی مع تعلیقات المتظری، بی جا، بی نا.
۱۵. ----- (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقی (محشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، چاپ اول.
۱۶. ----- (۱۴۲۸ق)، العروة الوثقی مع تعلیقات الفاضل، قم، مرکز فقہی ائمہ اطہار علیہم السلام.
۱۷. ----- (۱۴۲۸ق)، العروة الوثقی مع التعلیقات، قم، انتشارات مدرسہ امام علی بن ابی طالب علیہ السلام.

